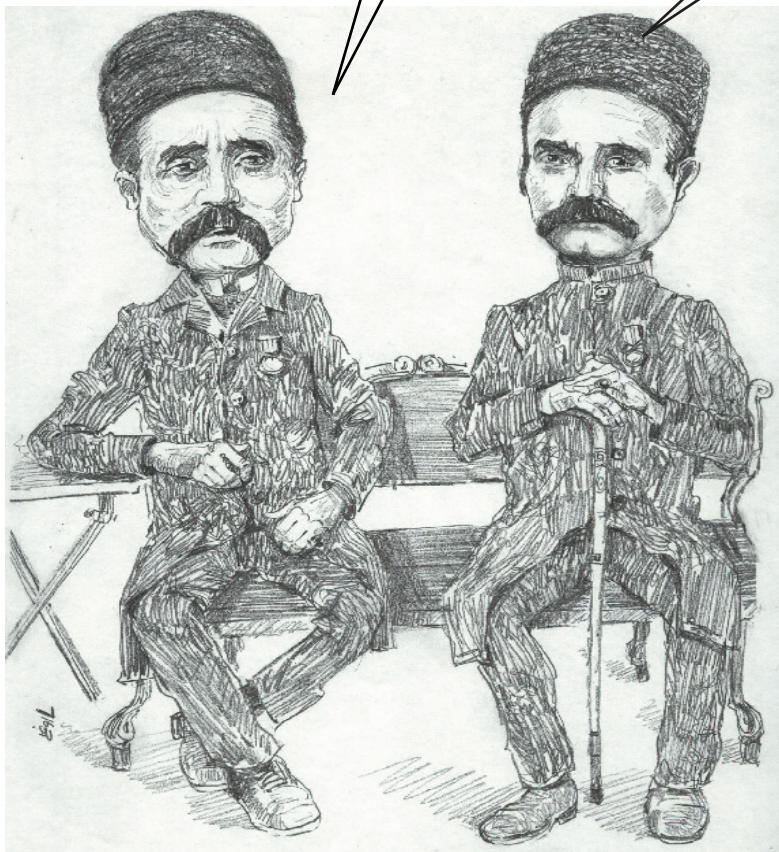


در صدمین سال انقلاب مشروطیت و سالروز ۱۴ مرداد

گفتگوی ستارخان و باقرخان

عذر قیل! دنیاده کی یتمیش ایکی مذهب لرین قیل و قالین گورمه ییب لر حق یولون چون، باش قوشوب افسانه یه

یولداش! نه خبر؟



توضیحات - طرح زیبا و اختصای سرداران مشروطیت اثر همکار هنرمند ما «استاد آذری» است که با امضای «L اوغلی» به نشریه «یولداش» طرح و کارتون میداد. الفاظ ترکی که در طرح آمده ترجمه همکار نویسنده ما مرتضانگهی است از بیت معروف حافظ در رابطه با جنگ ترک و فارس که رژیم راه انداخته.
«جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زند»

گفت ستارخان به باقرخان: چه خبر از نهال مشروطه؟
گفت: والله نهال که یخدور، یک کمی خار دادی این بوته
گفت: ای وای، آن نهال عزیز مگر از جای خود تکان خوردی؟
گفت خشکانده بود شاهنشاه، رهبر از ریشه‌اش درآوردی
گفت از «پیروارمنی» چه خبر؟ نشنیدم دگر از او نامی
گفت ترسیده ختنه‌اش بکنند، غیب شد در رژیم اسلامی
گفت راجع به شاهزاده رضا؟ تازگی‌ها از او خبر داری؟
گفت تورکی اگر بگم، هیچ‌ذات، انگلیسی بگم آی ام ساری
گفت ایشان مشاورین داری؟ یا خدای نکرده تنهائی؟
گفت زن‌ها مشاورش هاله، مردها هم ضیاءآتابائی
گفت مشروطه، سازمانی وار؟ یا همه چیز دربو داغوندی
گفت بیردانه سازمان هستی، رهبرش داریوش‌هما یوندی
گفت جای من و شما امروز چه کسی در تلاش افتادی؟
گفت با احمدی‌نژاد گلدی حبیب الله عسکراولادی
گفت راستی کدام حزب و گروه، خواستی آبروی چپ ببری؟
گفت نشنیده‌اش بگیر از من، اون کومونیست‌های کارگری
گفت اون خاتمی که خندیدی، حال دادی به مردم کیشور؟
گفت هشت سال مرد خوبی بود، خنده کردی به هرچه ناب‌تر!
گفت اون رهبری که یک دستی، پس چه جوری گرفتی اون طهارت؟!
گفت لابد به خاتمی گفتی: پاشو هر روز بیا سر کارت!
گفت دیدی که کیشور ما را، دادی پینات فروش به پسته فروش
گفت چونکی پینات اون آقا، مثل این پسته کرم داشتی توش
گفت این جرج بوش خاچ بر سر، گفته حمله به خاک ما کردی
گفت با او کنیم آن کاری، که کلینتون با مونیکا کردی!
گفت: روسیه هم که با آخوند، به گمانم قرارداد بستی
گفت حیرت نبود از پوتین، اون گمونم که توده‌های هستی
گفت فحشا که کار پنهان بود، تازگی‌ها به آشکاری شد

گفت در حوزه‌های علمیه، صیغه و جاکشی دلاری شد
گفت در پارلمان چه افرادند؟ مرد و زن‌های صادق و لایق؟
گفت آنجا مهم‌ترین آدم، هست دوشیزه عشرت شائق
گفت: عدل مظفر معروف سرنوشتش چه شد؟ کجارتی؟
گفت اون هم شهید گردیدی، به گمانم به کربلا رفتی!
گفت: بیچاره ملت ایران، هیچ حالا دموکراسی‌وار؟
گفت: میلت قبول نمیکردی، ولی دولت زیاد کرد اصرار
گفت آیا رژیم اسلامی دم برای سیا تکان دادی؟
گفت یکبار رفوزه شد آما، تازگی باز امتحان دادی
گفت دکتر مصدق عالی بود، پس چرا شاه عزل فرمودی
گفت چون پادشاه مشروطه یک کمی نوکر سیا بودی!
گفت شاپور بختیار آمد، آن زمان که وطن نیازش بود
گفت در آن زمان چپ و ملی، در پی روزه و نمازش بود
گفت: ملت چرا نپرسیدی، که چه شد انقلاب مشروطه؟
گفت هر کس سوال میکردی، گفت دولت به تو چه مربوطه

در این شماره نمی خوانید:

- * آیا فرسنگانی با کسانی که سخنرانی او را بهم زدند قرارداد رسمی داشت؟
- * آیا قبل از احمدی‌نژاد شهید دیگری هم در دانشگاه دفن خواهد شد؟
- * آیا حقیقت دارد که جرج بوش دارد فارسی یاد میگیرد که جواب احمدی نژاد را بدهد؟
- * اگر شاه اجازه میداد ایرانی‌ها در لس‌آنجلس تلویزیون داشته باشند، هرگز رژیمش ساقط نمیشد!
- * بن لادن به بازماندگان شهید زرقاوی بخچال فریزر داد.

صفحه شعر اصغراقا!

برای دکتر رامین جهانبگلو

**..... و ماه ۱ را
به جرم رابطه با خورشید
به آسمان اوین بردند ...**



با نامحرم تن به مدارا ندهم خود را به جهنم خدا جا ندهم
صد دست به مردهایشان گر بدهم یک دست به بانوان آنها ندهم